خبر

رییس کل دادگستری استان فارس خبر داد

اجرای احکام برخی اشرار در ملاءعام در آینده‌ای نزدیک

■ **ایسنا:** رییس کل دادگستری استان فارس با بیان اینکه یکی از موضوعات مورد توجه این مجموعه افزایش ضریب امنیت است، خبر داد: احکام برخی از اشرار در آینده‌ای نزدیک در ملاءعام اجرا می‌شود. ذبیح‌الله خداییان گفت: سرقت مسلحانه، آدم‌ربایی، تجاوز به عنف، قدرت‌نمایی با اسلحه، قاچاق کلان مواد مخدر و مشروبات الکلی و... از جمله جرایمی هستند که جامعه تحمل یک مورد از آنها را هم ندارد. رییس کل دادگستری فارس با بیان اینکه تدابیر خوبی برای مبارزه با ارتکاب جرایم اتخاذ شده، به تشریح برخی از این تدابیر پرداخت و ادامه داد: فعال کردن ستادهای مبارزه با جرایم خاص متشکل از مسوولان دادگستری، سپاه، اطلاعات و نیروی انتظامی که روی تک تک جرایم بحث و تصمیمات آنها فوراً جنبه اجرایی پیدا می‌کند، یکی از این تدابیر است. اختصاص شعبه ویژه رسیدگی به این جرایم مهم با حضور قضات شجاع و مقتدر نیز از جمله دیگر تدابیر است. ضمن اینکه مقرر شده پرونده‌های این قبیل جرایم مدیریت شود و از ابتدا و انتهای پرونده مورد نظارت قرار گیرد و رسیدگی به پرونده‌ها به سرعت انجام و تا حد امکان نیز احکام در ملاءعام اجرا شود. وی با بیان اینکه در جامعه اسلامی افراد نباید دغدغه جان، مال و ناموس‌شان را داشته باشند، تصریح کرد: کسانی که نمی‌توانند خود را با شرایط موجود تطبیق دهند، باید از جامعه حذف شوند و در این رهگذر اگر مجازات زندان دارند، باید زندانی شوند و اگر عمل آنها مصداق محاربه دارد نیز باید به مجازات اعدام محکوم شوند. رییس شورای قضایی استان فارس با اعلام اینکه در آینده‌ای نزدیک احکام برخی از اشرار در ملاءعام اجرا می‌شود، اولویت بعدی دستگاه قضایی استان را کاهش اطاله دادرسی عنوان کرد و افزود: اعتقاد داریم که اگر کسی حقی دارد، نه تنها باید به حق خود برسد، بلکه باید در یک فرصت و زمان معقول به حق خود دست یابد. خداییان اضافه کرد: مردم دارای حقوقی هستند و برخی از حقوق در قانون اساسی نیز پیش‌بینی شده است. ضمن اینکه یک سری حقوق نیز در ارتباط با دستگاه قضایی دارند که شامل مواردی نظیر منع شکنجه، دسترسی آسان به دستگاه قضایی، دادرسی عادلانه و حق داشتن وکیل می‌شود.

همسرکشی با ۱۲ ضربه چاقو

■ **ایسنا:** مردی که زنش را با ضربات چاقو در صومعه‌سرا به قتل رسانده بود خود را در تهران تسلیم پلیس کرد. سردار امیری مقدم، فرمانده انتظامی استان گیلان درباره این پرونده گفت: «ماموران پلیس صومعه‌سرا ساعت ۱:۳۰ بامداد سه روز قبل از طریق تماس مردمی از وقوع یک قتل در یک خانه مسکونی مطلع و به محل حادثه اعزام شدند. وی ادامه داد: ماموران پس از حضور در محل حادثه مشاهده کردند یک زن ۲۳ساله به نام «شبنم» در آشپزخانه با ضربات چاقو به قتل رسیده و متهم نیز پس از وقوع قتل از صحنه متواری شده است. امیری مقدم افزود: تحقیقات پلیسی در رابطه با این پرونده ادامه داشت تا اینکه متهم ۳۰ساله به نام «رضوان» که همسر مقتول است، روز شنبه در تهران خود را به ماموران پلیس معرفی و به ارتکاب قتل همسرش اعتراف کرد. فرمانده انتظامی استان گیلان با اشاره به اینکه این زوج یک کودک دو ساله دارند که در زمان حادثه در منزل حضور نداشت، افزود: متهم پس از دستگیری عنوان کرد به دلیل مشکلات خانوادگی با همسرش اختلاف داشته است و مقتول از وی نافرمانی می‌کرد. روز حادثه نیز زمانی که مقتول قصد خروج از خانه را داشت با مخالفت او روبه‌رو و این موضوع منجر به وقوع درگیری شد. امیری مقدم گفت: پس از وقوع درگیری متهم به قتل با ۱۰ تا ۱۲ ضربه چاقو همسرش را به قتل رسانده و از محل متواری شده بود.

انفجار دستشویی به علت استفاده بیش از حد از حشره‌کش

■ **شرق:** استفاده بیش از حد از حشره‌کش در سرویس بهداشتی یک خانه حادثه آفرین شد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران، سرویس بهداشتی یک خانه واقع در خیابان دردشت، بامداد دیروز منفجر شد. شدت انفجار به حدی بود که در دستشویی خرد شد و در هال خانه روی فرش و دیگر لوازم افتاد. همچنین چارچوب از جا کنده و گچ دیوار ریخته شد. طبق اظهارات ساکنان این واحد مسکونی، حادثه هنگامی رخ داد که یکی از اعضای خانه از خواب بیدار شد و قصد داشت به دستشویی برود که با زدن کلید چراغ روشنایی ناگهان انفجار رخ داد. سازمان آتش‌نشانی علت این حادثه را استفاده بیش از حد از حشره‌کش در سرویس بهداشتی و تراکم آن در فضای بسته اعلام کرد.

نپرداختن نفقه تنبیه بچه‌دار نشدن

■ **شرق:** زنی که تمایلی به داشتن فرزند ندارد توسط شوهرش از دریافت نفقه محروم و مجبور شد به دادگاه خانواده شکایت کند. این زن ۲۷ساله وقتی به مجتمع قضایی شهید محلاتی رفت به قاضی شعبه ۲۳۵ گفت: «شوهرم اصلا به من خرجی نمی‌دهد و مواد غذایی را که برای خانه می‌خرد، خرجی من می‌داند. من طی این چهار سال و نیم زندگی مشترک در این خصوص سکوت کردم ولی دیگر تحملم تمام شده و حقم را می‌خواهم.» در ادامه این جلسه، شوهر ۳۴ساله خواهان نیز در دفاع از خودش گفت: «من خواسته همسرم را نمی‌پذیرم چون برای او هیچ چیزی کم نگذاشته‌ام. زنم برای اینکه به تفریح خودش برسد، حاضر نیست فرزندی داشته باشیم من فقط در صورت بچه‌دارشدن نفقه مشخصی به همسرم می‌پردازم و گرنه مثل سابق رفتار می‌کنم.» بنا بر این گزارش در پایان جلسه قاضی دادگاه مرد را به پرداخت نفقه محکوم کرد.

فرجام تلخ برای رقابت عشقی دو برادر

شرق: عشق به همسر برادر رقابتی را بین آن دو رقم زد که با قتل یکی و مجازات سنگین برای دیگری پایان یافت.

به گزارش خبرنگار ما، پرونده این برادر کشی ۱۰ دی سال ۸۵ تشکیل شد. آن زمان دختری جوان به پلیس خبر داد برادرش تقی گم شده است. وقتی دختر جوان عکس برادرش را در اختیار ماموران قرار داد، پلیس متوجه شد جسد ناشناسی که شب قبل در یک باغ پیدا شده، متعلق به همین مرد است.

آن‌طور که در گزارش ماموران آمده بود، قاتل، مقتول را به طرز فجیعی کشته و با جسم سخت آنقدر بر سرش کوبیده بود که جمجمه‌اش از چند جا شکسته و حتی تکه‌ای از آن جدا و ضرباتی نیز به سینه این مرد وارد شده بود.

نحوه جنایت ماموران را به این نتیجه رساند که قاتل کینه‌ای عمیق از تقی داشته است و در این بین به نقی -برادر مقتول- مظنون شدند اما مدارک علیه این مرد کافی نبود و نقی آزاد شد. دو سال بعد از این جنایت پلیس متوجه شد نقی با همسر برادرش به نام عاطفه ازدواج کرده است. این بار انگیزه انتقام‌گیری عشقی در پرونده مطرح شد و نقی دوباره مورد بازجویی قرار گرفت. این مرد بعد از چندین جلسه بازجویی به قتل اعتراف کرد و گفت نقشه قتل زمانی به ذهنش رسید که عاشق عاطفه شد و تصمیم گرفت او را از زندگی برادرش بیرون بکشد. متهم گفت: نمی‌دانم چطور شد که عاشق عاطفه شدم. اوایل فقط فکر می‌کردم این یک احساس گذراست اما بعد از مدتی آنقدر به عاطفه وابسته شدم که دیگر نتوانستم او را فراموش کنم. هفته‌ای یک بار به خانه برادرم می‌رفتم و عاطفه و بچه‌های برادرم را به خانه پدری‌ام می‌آوردم تا بیشتر او را ببینم. بعد تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. چاره‌ای نبود به جز اینکه برادرم را از سر راه بردارم. شب حادثه به خانه برادرم رفتم و همسر و بچه‌هایش را به خانه پدری‌ام بردم. تقی هم آمد بعد او را بیرون کشاندم و در باغی با ضربات متعدد چاقو او را کشتم. آنقدر زدمش تا مطمئن شوم مرده است. سپس جسد را همان جا رها کردم و به خانه برگشتم. وقتی آمدم لباس‌هایم خونی بود اما کسی از من نپرسید چه شده است و من هم حرفی نزدم سریع لباس‌هایم را عوض کردم تا کسی سوالی نپرسد. صبح که شد با خواهرم به کلانتری رفتیم و موضوع را اطلاع دادیم.

بعد از اعترافات این مرد و بازسازی صحنه جرم قرار مجرمیت برای متهم صادر و وی برای محاکمه به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران معرفی شد. نقی دیروز پای میز محاکمه رفت. در ابتدای این جلسه روشن، نماینده دادستان خطاب به قضات گفت: از آنجایی که اولیای دم کبیر اعلام رضایت کرده‌اند، رییس قوه قضاییه به عنوان حاکم شرع و قیم ورثه صغیر تقاضای دیه برای آنها کرده است. اما نکته‌ای که در این خصوص وجود دارد نحوه به قتل رسیدن مقتول است. تقی به طرز فجیعی برادرش را به قتل رسانده است و به خاطر نحوه قتل و اخلال در نظم عمومی به عنوان نماینده دادستان تهران تقاضای صدور اشد مجازات برای او را دارم.

در ادامه عاطفه همسر سابق مقتول و همسر فعلی متهم به قتل، در جایگاه حاضر شد. این زن ادعا کرد چیزی در مورد علاقه نقی به خودش نمی‌دانست. او گفت: نقی مرتب به خانه ما می‌آمد او برادرشوهرم بود و من هم نمی‌توانستم اعتراضی بکنم او به من و بچه‌هایم خیلی محبت می‌کرد و ما را به میهمانی می‌برد. بعد از قتل و زمانی که هنوز قاتل او پیدا نشده بود مادرشوهرم به من گفت نقی به تو علاقه‌مند است با او ازدواج کن او عموی بچه‌هاست و به آنها آسیبی نمی‌رساند و تو هم با خیال راحت می‌توانی بچه‌هایت را بزرگ کنی. من هم قبول کردم. ما با هم زندگی خوبی داشتیم.

در این هنگام قاضی از عاطفه پرسید حالا که متوجه شدی او قاتل شوهرت است باز هم حاضری با نقی زندگی کنی. این زن جواب داد: اگر آزاد شود با او زندگی می‌کنم چون باید خرجی بچه‌هایم را بدهم و در حال حاضر هم مادرشوهرم خرجی من را می‌دهد و من چاره‌ای ندارم.

عاطفه در مورد روز قتل گفت: وقتی به خانه مادرشوهرم رفتیم، شوهرم ۵۰۰ هزار تومان پول برداشت چون می‌خواست برای داربست میله بخرد. تقی در کار نصب داربست بود. وقتی به خانه مادرش رسیدیم بیرون رفت تا خرید کند و دیگر برنگشت.

سپس متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: اتهامم را قبول دارم. برادرم را من کشتم اما نه به دلیلی که در بازجویی‌ها گفتم. من در زمانی که برادرم زنده بود، نسبت به همسرش نظری نداشتم و بعد از قتل او بود که با عاطفه رابطه عاشقانه برقرار و با او ازدواج کردم. درگیری من و برادرم به خاطر بدهی بود که او به من داشت. برادرم به من شش میلیون تومان بدهکار بود اما پول را نمی‌داد، می‌گفت: هروقت دلم بخواهد طلبت را می‌دهم. او یک میلیون و نیم به من پول داده بود و زیر بار نمی‌رفت تا بقیه بدهی‌اش را بپردازد. شب حادثه او را به بیرون از خانه کشاندم طوری که کسی متوجه نشود. بعد با هم به باغ رفتیم و من با ضربات چاقو آنقدر او را زدم که جان داد. متهم در ادامه گفت: از اتفاقی که افتاده است به شدت پشیمان هستم. من نباید این کار را می‌کردم از این اتفاق به شدت ناراحت هستم. از دادگاه تقاضا دارم که به من تخفیف دهد. من حاضرم دیه برادرم را به برادرزاده‌هایم بدهم فقط اجازه دهید من و خانواده‌ام کنار هم باشیم و بتوانم از بچه‌های برادرم مراقبت کنم. در این سه سال که زندان بودم خیلی به من سخت گذشت و دیگر نمی‌توانم محیط زندان را تحمل کنم. بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافع او هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند و متهم را با توجه به اینکه برادرش را به طرز فجیعی به قتل رسانده بود، به ۱۰ سال حبس، ۱۰ سال تبعید و پرداخت دیه در حق فرزندان مقتول محکوم کرد.

روابط پنهانی زن جوان به قتل مرد غریبه انجامید

جنایت در ملاقات آخر

شرق: زن و شوهری که با همدستی هم، مردی را به خانه‌شان کشانده و به قتل رسانده بودند در جلسه محاکمه انگیزه‌شان را از این جنایت شرح دادند.

این پرونده، سال ۸۶ با پیدا شدن جنازه مردی به نام حسن در منطقه‌ای خلوت در شهرستان جهرم به جریان افتاد. آن زمان کارآگاهان جنایی وقتی جنازه را یافتند، متوجه شدند او در مکانی دیگر با ضربات متعدد چاقو از پادرآمده و سپس قاتل یا قاتلان پیکر خونین را به آن محل منتقل کرده‌اند تا ردپایی از خود برجای نگذارند. نحوه قتل نشان می‌داد حسن، قربانی یک کینه‌جویی شخصی شده است به همین دلیل، تحقیقات روی روابط این جوان متمرکز شد و افسران جنایی بعد از کمی تجسس پی بردند او با زنی به نام عاطفه رابطه داشت. عاطفه متاهل بود و همین موضوع احتمال وقوع جنایت توسط این زن یا اقوامش را افزایش می‌داد.

سرانجام ماموران، عاطفه و شوهرش حمید را بازداشت کردند. آن دو که در بازجویی‌های مقدماتی منکر ارتکاب قتل بودند و می‌گفتند اصلا حسن را نمی‌شناسند بعد از آنکه با مدارک به دست آمده مواجه شدند جزییات قتل را شرح دادند و به بازسازی صحنه جنایت پرداختند. پس از آن، پرونده مراحل قضایی را طی کرد و این زوج در پی صدور کیفرخواست، هفته پیش در دادگاه کیفری استان فارس پای میز محاکمه رفتند. در این جلسه بعد از آنکه نماینده دادستان و اولیای دم مقتول خواستار مجازات متهمان شدند، حمید به دفاع از خودش پرداخت. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: «مدتی بود که عاطفه رفتارهای مشکوکی داشت و من حدس می‌زدم با فرد دیگری رابطه دارد هر وقت بر سر این موضوع با خودش صحبت می‌کردم انکار می‌کرد تا اینکه تصمیم گرفتم همسرم را زیر نظر بگیرم. یک روز تلفن همراه همسرم را روی گوشی خودم دایورت کردم. آن روز حسن با شماره عاطفه تماس گرفت و می‌خواست با او صحبت کند. همین مدرک برایم کافی بود تا از خیانت همسرم باخبر شوم. آنقدر عصبانی بودم که نمی‌توانستم زندگی کنم.»

متهم به قتل ادامه داد: «چند روز از این ماجرا گذشت تا اینکه نقشه قتل حسن را در ذهنم طراحی کردم. آن روز به محل کارم نرفتم و عاطفه را مجبور کردم با حسن تماس بگیرد و او را به خانه‌مان دعوت کند. او هم که تحت فشار بود خواسته‌ام را اجرا کرد و بعد از آنکه با حمید تماس گرفت وانمود کرد در خانه تنهاست. ساعتی بعد زنگ در به صدا درآمد. من چاقویی برداشتم و در گوشه‌ای از خانه پنهان شدم و همسرم به استقبال حسن رفت و در را برای او باز کرد. او نمی‌دانست چه دامی برایش پهن کرده‌ایم. وقتی وارد خانه شد به طرفش حمله کردم و او را با چند ضربه کشتم. در آن لحظات فقط به انتقام‌گیری فکر می‌کردم. چند لحظه بعد وقتی آرام شدم که جسد خون‌آلود حسن در گوشه‌ای افتاده بود و همسرم گریه می‌کرد. جنازه را ساعتی در همان وضعیت نگه داشتیم تا اینکه تصمیم گرفتم آن را از خانه بیرون ببرم. جسد را دور از چشم همسایه‌ها داخل صندوق عقب خودروام انداختم و به اطراف جهرم بردم و آن را در محلی دور افتاده رها کردم.»

در ادامه این جلسه، عاطفه نیز در جایگاه حاضر شد و در برابر اتهام معاونت در قتل به دفاع از خود پرداخت. او گفت نقشی در کشتن حسن نداشته است. با پایان اظهارات متهمان، هیات قضات تصمیم‌گیری در این‌باره را به زمان دیگری موکول کردند.

موسسه «ایرانیان» در آتش سوخت

شرق: ساختمان موسسه ویدئو رسانه «ایرانیان» در آتش سوخت و مقدار زیادی از سی‌دی‌های این موسسه نابود شد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران این حادثه ساعت چهار و ۲۲ دقیقه بامداد دیروز رخ داد و آتش‌نشانان سه ایستگاه بعد از اعلام گزارش حریق به ستاد فرماندهی این سازمان به محل حادثه واقع در خیابان فتحی‌شقاقی، میدان سلماس رفتند.

داود درویش‌زاده، مدیر منطقه یک عملیات سازمان آتش‌نشانی تهران، در این‌باره گفت: «آتش‌سوزی در طبقه اول ساختمان چهار طبقه که از آن به عنوان انباری استفاده و در آن محصولات فرهنگی نگهداری می‌شد، رخ داده و کاملا شعله‌ور بود.» وی افزود: «آتش‌نشانان با توجه به گفته اهالی محل مطلع شدند سرایدار ساختمان که در طبقه دوم خوابیده بود، به علت حجم زیاد دود و حرارت گرفتار شده و توان خارج شدن ندارد. آنها بی‌درنگ و همزمان با اجرای عملیات ایمن‌سازی موفق شدند فرد گرفتارشده را که دچار دود گرفتگی شده بود، نجات و به محلی ایمن انتقال دهند. آتش‌نشانان همچنین با استفاده از تجهیزات خاموش‌کننده شعله‌ها را مهار و آتش‌سوزی را کاملا خاموش و دود ناشی از آن را از محل تخلیه کردند.»

سازمان آتش‌نشانی، بیان علت این حادثه را به آینده موکول و اعلام کرد؛ کارشناسان بررسی‌های خود را در این رابطه آغاز کرده‌اند. با این وجود محمد علی زم، مدیرعامل موسسه «ایرانیان» حریق را عمدی دانست. او به ایسنا گفت: «ساعت سه و نیم بامداد خبر رسید شخصی با شکستن شیشه‌های موسسه، آنجا را آتش زده که بر اثر آتش‌سوزی حدود ۵۰ هزار جلد کتاب، مقدار زیادی سی‌دی به ارزش دو میلیون تومان و سیستم‌های تدوین، فنی و اداری همه از بین رفتند و آسیب جدی به ساختمان وارد شد.» وی همچنین گفت: «متهم در صحنه شناسایی شده است و امیدواریم با چهره‌نگاری دستگیر شود تا بدانیم یک موسسه فرهنگی را به چه دلیل آتش زده است.»

عکس‌ها: روابط‌عمومی آتش‌نشانی

پنج قاره

تصادف در آسمان

ایسنا: تصادف دو چترباز در آسمان، مرگ یکی از آنها و جراحت نفر دوم را به دنبال داشت. «دن برادسکی چنفیلد» مدیر اجرایی چتربازان منطقه «پریس» ایالت کالیفرنیا درباره این حادثه توضیح داد: «این دو چترباز پس از برخورد با یکدیگر از ارتفاع ۶۰ متری سقوط کردند و متاسفانه یکی از آنان پس از برخورد با زمین در دم جان باخت و چترباز دیگر به شدت دچار جراحت و آسیب شد، به طوری که احتمال فوت وی وجود دارد. او یادآور شد: هفته قبل هم حادثه‌ای مشابه رخ داد که متاسفانه هر دو چترباز جان باختند. بنا به این گزارش، علت اصلی هر دو حادثه هنوز نامشخص است. با این حال، کارشناسان احتمال می‌دهند که بی‌دقتی این چتربازان این دو حادثه را رقم زده باشد.

جنین دزدی

ایسنا: زنی آمریکایی به دلیل حسادت دوست باردارش را ربوده و جنین وی را از شکمش بیرون کشید. کتی میشله کوی، ۳۳ ساله در حالی که با یک نوزاد تازه متولد شده به بیمارستانی در «کنتاکی» رفته بود، توسط پلیس دستگیر شد. وی متهم است پس از شنیدن بارداری دوستش اقدام به ربودن و بیرون کشیدن جنین هشت ماهه وی از داخل شکمش کرده است. مقامات پلیس ایالت «اوکلند» اعلام کردند جسد مادر ۲۱ ساله به نام «جیمی استایس» را در حالی که به طرز فجیعی تکه‌تکه شده بود، در جنگلی در منطقه «کنتاکی» یافتند. «ژانی استایس» مادر جیمی در این‌باره گفت: کوی ۳۳ساله از بارداری دخترم باخبر شد، به همین دلیل به شدت به او حسادت می‌کرد و با ربودن او جنین هشت ماه‌اش را دزدید. بنا به این گزارش کوی که در یک شرکت تولید لباس کار می‌کرد، قبل از این حادثه به خانواده جیمی قول داده بود تمام لباس‌های نوزاد را فراهم کند. با این حال، وی در بازجویی‌هایش اعلام کرد فقط قصد سرقت جنین را داشت. مقامات بیمارستان کنتاکی اعلام کردند نوزاد تازه متولد شده در وضعیت مساعدی قرار دارد و برای رشد تکمیلی در دستگاه قرار داده شده است.

توفان مرگبار در آمریکا

پلیس‌خبر: بیش از ۲۰ نفر بر اثر بارش باران و توفان در آمریکا کشته شدند. ایالت‌های کارولینای شمالی و جنوبی در سومین روز پیاپی بارش شدید باران، شاهد خرابی گسترده بودند. همچنین در پی حرکت توده هوای ناپایدار و وزش باد شدید در واشنگتن، مریلند و ویرجینیا، در بعضی از مناطق وضعیت هشدار اعلام شد. البته بیشتر تلفات سه روز گذشته که به ۲۲ نفر می‌رسد مربوط به ایالت‌های آلاباما، آرکانزاس، اوکلاهما، می‌سی‌سی‌پی و تگزاس است.

امید برای بهبودی قربانی اسیدپاشی

بی‌بی‌سی: یک مجری تلویزیونی که سه سال قبل توسط نامزد سابقش مورد حمله اسیدی قرار گرفته و زنده مانده بود، با انجام ۳۰ عمل جراحی بهبودی نسبی به دست آورد. کتی پایپر، ۲۵ ساله که در سال ۲۰۰۹ میلادی در فیلم مستندی به نام «صورت زیبای من» حضور داشت، اعلام کرد: من در سن ۲۲ سالگی از روستای محل سکونتم در حوالی لندن به شهر مهاجرت و به عنوان مجری برنامه‌های تلویزیونی کار خودم را شروع کردم ولی متاسفانه نامزد سابقم از این موضوع احساس ناراحتی کرد و در یک اقدام مرا مورد تجاوز قرار داد. او به شدت به من حسادت می‌کرد و نمی‌توانست موفقیت و چهره زیبای من را تحمل کند. تا اینکه ۳۱ مارس سال ۲۰۰۸ وقتی از یک رستوران خارج می‌شدم، شخصی روی صورتم اسید پاشید و معلوم شد آن فرد نامزد سابقم است. این دختر جوان درباره وضعیت فعلی‌اش نیز گفت: «من همراه مادرم برای درمان تکمیلی به فرانسه مسافرت کردم. از اینکه هم‌اکنون زنده هستم بسیار خوشحالم و حالم رو به بهبودی است. من باید روزی چند ساعت ماسکی مخصوص را روی صورتم بگذارم و قسمت‌های سوخته را چرب کنم تا آسیب‌دیدگی ناشی از اسیدپاشی التیام پیدا کند.»

نگاه

بیماری، خیانت، قتل

ناصر قاسم‌زاد

■ روابط خارج از عرف می‌تواند در دو منشا بیماری‌های شخصیتی و اختلالات جنسی یا هر دو به صورت توامان ریشه داشته باشد. در مورد زنانی که وارد چنین روابطی می‌شوند، عنصر اختلال شخصیت و کمبودهای عاطفی پررنگ‌تر است و در مورد مردان مساله اختلالات جنسی نقش بیشتری دارد. در پرونده اخیر شاهد هستیم زنی بعد از برقراری رابطه با مردی غریبه وقتی ماجرا افشا می‌شود به شوهرش برای کشتن آن مرد کمک می‌کند. قبلا نیز اتفاقات مشابهی رخ داده بود. این زنان از نظر علمی بیمار هستند و ممکن است بیماری آنها در پیش از ازدواج‌شان ریشه داشته باشد اما آن زمان به صورت پنهان بوده و پس از تاهل وقتی فرد دچار شکست شده، امید به آینده‌اش را از دست داده و تحملش به پایان رسیده، به این صورت بروز می‌کند. انسان‌های سالم وقتی در زندگی زناشویی به نتیجه نمی‌رسند، سعی می‌کنند آن را به طرق منطقی مانند مراجعه به مشاوران خانواده اصلاح کنند و زمانی که مطمئن شدند هیچ راهی جواب‌گو نیست، به این زندگی مشترک خاتمه می‌دهند اما فرد مبتلا به بیماری شخصیتی وقتی با گذشت چند سال احساس کرد به نتیجه مطلوب نرسیده است، برای فرار از موقعیت موجود دست به رفتارهای نامعقولی می‌زند که یکی از این گزینه‌ها، برقراری روابط خارج از عرف است. در چنین شرایطی شخص یا سراغ افرادی می‌رود که قبل از تاهل با آنها در ارتباط بوده یا آنهایی را انتخاب می‌کند که در شرایط کنونی برای ایجاد یک رابطه اعلام آمادگی کرده‌اند. نباید فراموش کرد از آنجا که مرد نقش کلیدی را در اقتصاد خانواده دارد، چنین زنانی از جدایی هراس دارند چون نمی‌دانند بعد از طلاق مشکلات مالی را چگونه باید حل کنند. به این ترتیب است که به اصطلاح عرفی، خیانت انجام می‌شود. اما اینکه چرا در این پرونده و موارد مشابه دیگر، زن به قتل مرد غریبه کمک می‌کند نیز موضوعی قابل تامل است. چنین زنی به خاطر عمل نکردن به تعهداتی که باید نسبت به خانواده داشته باشد، همواره احساس گناه می‌کند. از سوی دیگر وابستگی‌هایی -مانند مسایل اقتصادی- برای او وجود دارد که پیش از این مانع جدایی‌اش شده بود. همین احساس گناه و وابستگی سبب می‌شود زن مجبور به همکاری با شوهرش شود تا به گمان خود دین‌اش را نسبت به خانواده ادا کند و احساس گناه در او از بین برود.

*مشاور خانواده و استاد دانشگاه

حادثه‌ها

کمین دو موتورسوار برای سرقت گردنبندهای طلا

■ **شرق:** دو تبهکار که در کمین زنان و دختران جوان می‌نشستند و گردنبند آنها را سرقت می‌کردند، در مواجهه با طعمه‌هایشان مدعی شدند فقط شبیه سارقان هستند. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل به دنبال وقوع چندین فقره گردنبندقاپی در شهرک ولیعصر تلاش‌های وسیعی برای شناسایی عاملان این سرقت‌ها آغاز شد. ماموران کلانتری شهرک ولیعصر در تحقیقات مقدماتی دریافتند دو جوان موتورسوار با شناسایی دختران و زنان تنها در کوچه‌ها و خیابان‌های خلوت گردنبند آنها را سرقت می‌کنند و سوار بر موتوسیکلت‌شان متواری می‌شوند. البته در یکی از این دزدی‌ها سارقان، گردنبند زنی را در خانه‌اش ربوده بودند. پسر این زن که شاهد صحنه سرقت بود به پلیس گفت: «چند روز قبل همراه مادرم در خانه بودم که ناگهان صدای در را شنیدیم. چون مادرم در حیاط بود به سوی در رفت و آن را باز کرد. به محض باز شدن در ناگهان پسری جوان پایش را داخل چارچوب در گذاشت و مادرم را به داخل هل داد. او در همین حین دستش را داخل گردنبند مادرم انداخت و آن را کشید و دوان دوان فرار کرد. همه چیز در یک لحظه اتفاق افتاد و من نتوانستم عکس‌العملی از خودم نشان دهم، فقط وقتی به طرف در خانه دویدم جوان سارق را دیدم که سوار بر یک موتوسیکلت فرار کرد.» پسر این زن که چهره جوان سارق و همدستش را دیده بود، به انجام چهره‌نگاری کمک کرد. به این ترتیب ماموران در قالب چند تیم گشتی جست‌وجوهایشان را برای شناسایی متهمان ادامه دادند تا اینکه چند روز قبل در بلوار مدائن به سرنشینان یک دستگاه موتوسیکلت مشکوک شدند. چهره یکی از موتورسوران شباهت زیادی به یکی از مجرمان تحت تعقیب داشت. به همین دلیل ماموران دو مظنون را بازداشت و به کلانتری منتقل کردند. در جریان تحقیقات از دستگیرشدگان، زنی که صبح همان روز گردنبندش دزدیده شده بود با دیدن دو متهم آنها را به عنوان سارقان گردنبندش شناسایی کرد و گفت: مطمئن هستم همین دو نفر گردنبند مرا دزدیده‌اند. در چنین شرایطی پرونده اتهامی این دو نفر به دستور دادیار شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۲۷ به پایگاه پنجم پلیس آگاهی ارسال شد. دو جوان دستگیرشده به نام‌های امیر ۱۸ ساله و اکبر ۱۹ ساله تلاش می‌کردند خود را بی‌گناه معرفی و وانمود کنند ماموران در دستگیری آنها دچار اشتباه شده‌اند و فقط شبیه سارقان هستند اما در ادامه چند مالباخته دیگر نیز آنها را شناسایی کردند و مشخص شد متهمان به طور روزانه جواهرات چندین زن و دختر جوان را سرقت می‌کردند.